

سینمای ایران

به همت: مجید سجادی

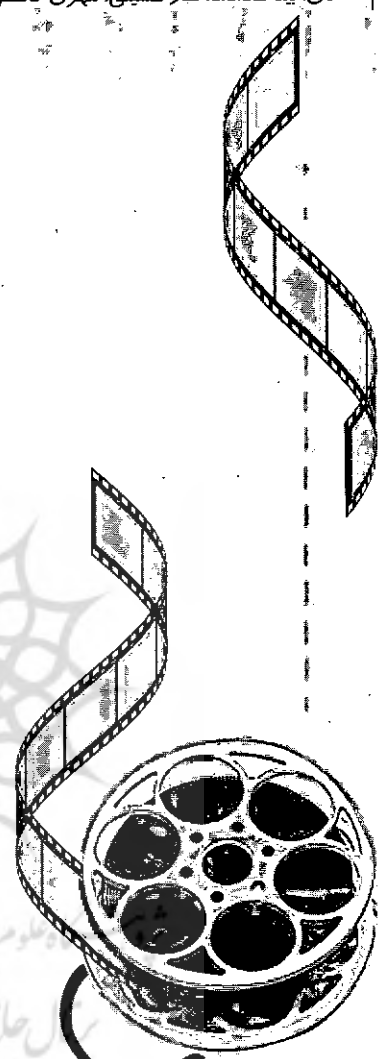
با همکاری آقایان: حسین کیتی، مهدی کشاورز، احسان هوشیارگر، حمید قاسم زادگان، سعید ذوالنوریان و خانم‌ها مریم احمدی، بیتا خداداد، نگار حسینی، مه‌ری کاظمی هرکندی و سمانه سجادی

فیلم کوتاه؛ بودن یا نبودن؟

فیلم کوتاه بدون تردید پشتوانه‌ی بزرگ برای سینمای هر کشوری محسوب می‌شود. امروزه جایگاه فیلم کوتاه آن قدر برجسته و سترگ است که نمی‌توان آن را سیاه‌مشقی برای یک فیلمساز دانست، چرا که خود به جایگاهی رفیع در سینما دست یازیده است. اگر فیلم بلند را غزل بدانیم، فیلم کوتاه یک رباعی یا دوبیتی محسوب می‌شود که در کوتاه‌ترین زمان به گونه‌ی موجز، حرف‌هایش را بازگو می‌کند. با افزایش و توسعه‌ی امکانات دیجیتال در کشورمان، تولید و ساخت فیلم کوتاه به طرز قابل توجهی رشد داشته است. هم‌چنین جشنواره‌های مختلفی برای ارایه‌ی فیلم کوتاه در ایران برگزار می‌شوند که هر کدام در جهت رشد و شکوفایی این نوع از فیلمسازی مشرک‌نم بوده و جدا از بخش رقابتی‌شان، میدانی برای به نمایش درآمدن این آثارند. در چند سال اخیر توجه متولیان سینمایی کشور به فیلم کوتاه افزون شده، ولی آیا این توجه به قدر کفایت است یا باید برای اعتلای بیش از پیش آن تلاش بیش‌تری را پی گرفت؟

فیلم کوتاه می‌رود تا جایگاه جهانی خود را با جشنواره‌هایی معتبر بیابد. کاشی تلویزیون کشورمان قدری با فیلم کوتاه مهربان‌تر بود و در جدول برنامه‌های یکی از شبکه‌ها، ساعاتی را به پخش فیلم‌های کوتاه فیلمسازان کشورمان اختصاص می‌داد.

گرچه تلویزیون هر از چند گاهی نیم‌نگاهی به فیلم کوتاه و سازندگان آن در کشور دارد، اما این اتفاق کافی نیست و باید رسانه‌ی ملی توجه بیش‌تری به این قالب از سینما بنماید. بخش سینمای ایران این شماره از نقدسینما به مقوله‌ی فیلم کوتاه اختصاص دارد که امیدواریم مورد توجه شما خوانندگان گرامی قرار گیرد.





برگزاری اولین جلسه‌ی کارگاهی بررسی تغییر و تحولات فیلم کوتاه با حضور شهرام مکرری

آیا فیلم کوتاه نیازی به آکادمیک شدن دارد؟

زهرا تقوی

در ابتدا «مجید مصاحبی» مجری جلسه، از حضاران در جلسه خواست تا خود را بیش‌تر معرفی کنند. سپس یکی از شاگردان که در کارگاه «عباس کیارستمی» فیلمی ساخته بود، در مورد آن توضیحاتی ارائه کرد. مجید مصاحبی بعد از پایان معرفی اعضای حاضر در کارگاه، از «شهرام مکرری» پرسید: «آیا فیلم کوتاه نیازی به آکادمیک شدن دارد؟» کارگردان فیلم کوتاه «محدوده‌ی دایره» در پاسخ به این سؤال گفت: «راه‌های مختلفی بوده و مثال‌های زیادی می‌توانیم بزنیم که دانش آکادمیک نداشته‌اند. نسخه‌ی واحدی وجود ندارد؛ هر کسی روش خاص خودش را دارد. سازنده‌ی فیلم کوتاه باید راه خودش را پیدا کند. البته من هیچ‌وقت نمی‌گویم دانشگاه بد است؛ کسی که دانشگاه می‌رود می‌تواند با هم‌کلاسی‌هایش بیرون برود و هم‌فکرهایش را ملاقات کند. در واقع دانشگاه می‌تواند یک پاتوق سینمایی باشد.» شهرام مکرری در ادامه با مقایسه‌ی فیلمسازی در ایران و آمریکا، به این نکته اشاره کرد که: «مثلاً در فیلمسازی استودیویی، فیلمساز برای چند سال قرارداد می‌بندد تا سه فیلم بسازد. چنین چیزی در ایران وجود ندارد اما کم‌کم در حال رشد است، برای مثال پروژه‌هایی را در آینده خواهیم دید که از نظام استودیویی پیروی می‌کنند، ممکن است بشنویید جلوه‌های ویژه‌ی فیلم بعدی یک کارگردان ایرانی، هنگ‌کنگی است.»

کارگردان فیلم «شکان، انگشتر متبرک و چند داستان دیگر» با مطرح کردن نظام اروپایی گفت: «کارگاه خوب است و در اروپا هم به صورت کارگاهی کار می‌کنند. به همین جهت کارگاه عباس کیارستمی تأثیرگذار است. در اروپا فرم و ایده مهم است.»

مکرری ادامه داد: «در قدم اول باید تکلیفمان را مشخص کنیم؛ فیلم‌هایی را که دوست داریم چیست؟ و آن نوع سینما کجا وجود دارد. ما در ایران متغزهای آشفته‌یی داریم و نظم وجود ندارد. صریح می‌گوییم این سینما را دوست داریم. در واقع اگر فیلمساز بخواهد پارک ژوراسیک بسازد نباید برود کارگاه کیارستمی. اگر بخواهیم فیلم‌های مستقل بسازیم این نوع کارگاه‌ها خوب است.»

کارگردان «آندوسی» با پرداختن به تاریخ فیلم کوتاه در ایران به جریان فیلمسازی قبل از انقلاب، از سال ۱۳۴۵ به بعد، اشاره کرد: «قبل از انقلاب سینمای گیشه‌یی و استودیویی که با سوپرستارها کار می‌کرد و به دنبال گیشه بود در مقابل کانون پرورش فکری قرار داشت که فیلم‌های آن دوره با

محوریت قرار دادن کودکان، این سینما را از سینمای گیشه‌یی جدا می‌کرد. بعد از آن نگره‌ی مؤلف را به ایران آوردند. فیلم‌هایی مثل شب قوزی فرخ غفاری یا فیلم‌های ابراهیم گلستان و ... تبدیل به موج نوی سینمای ایران شدند. آن‌ها اعتقاد داشتند که باید کارگردان را پررنگ کنیم. به همین جهت به زعم ما ایرانی‌ها، فیلم‌هایی خوب هستند که نگاه کارگردان در آن باشد و کارگردان استودیویی فقط دکوپاژ می‌کند. ما با این نگاه بزرگ شدیم؛ نگاهی که در مجله‌ی فیلم، تلویزیون و کلاس‌ها رشد کرد. به نظر می‌رسد حالا فیلمساز صاحب فکر داریم اما تعدادشان به پنج‌تا نمی‌رسد. هم در فیلمسازان صاحب اندیشه دچار مشکل هستیم و هم در استودیویی. سینمای ملی نداریم، سینمای گونه نداریم، سینمای بومی هم نداریم. ۳۰ سال است که می‌گویند سینمای استودیویی بد است، به همین خاطر دیگر فیلم استودیویی نداریم. ترکیه حاضر نیست از ما فیلم بخرد چون سینمای استودیویی نیست. ما به سمت سینمای استودیویی نرفتیم. سینمای ایده هم دیگر نداریم، یعنی سینمای اگزوتیک دیگر ته کشیده است. سینمای ایده‌محور در صورتی می‌تواند پابرجا بماند که ایده داشته باشد. سینمای اگزوتیک هم تمام می‌شود. پس باید به سمت سینمایی نورفت.»

مجید مصاحبی، دبیر جشنواره‌ی بین‌المللی آسا، در ادامه‌ی صحبت‌های شهرام مکرری گفت: «سینما ارزان نیست. باید سینمای تکنولوژی‌محور در کنار سینمای ایده‌محور باشد و هر دو با هم تلفیق شود که این، موج جدیدی از سینما را ایجاد می‌کند؛ مثل فیلم ماتریکس که تلفیقی از این دو است.» مکرری درباره‌ی مخاطبان فیلم کوتاه گفت: «در دنیا مخاطبان فیلم کوتاه اینترنتی هستند؛ فیلم را در اینترنت برای دانلود می‌گذارند و مخاطب به حساب فیلمساز پول واریز می‌کند. باید دیگر از فیلم ساختن ترسید یا از بخش محدود فیلم کوتاه دلسرد نشد. با دیدن فیلم درباره‌ی الی ... دیگر نباید از این چیزها ترسید. این فیلم تنه می‌زند به فیلم‌های روز دنیا؛ فیلمی بین‌المللی است. ما بازیگر و کارگردان بین‌المللی داریم. افق دیدمان را باید از اکران در ایران و جشنواره‌های ایران گسترده‌تر کنیم. باید مرزها را بشکنیم. در ابتدا فیلم‌های عباس کیارستمی را هیچ‌کس نگاه نمی‌کرد؛ او خودش برای فیلم‌ها ارزش قابل می‌شد و تلاش می‌کرد، در انتها هم موفقیت بین‌المللی کسب کرد. بسیاری فکر می‌کنند فیلم‌های کیارستمی دیده نشده‌اند، در حالی که آن‌ها گیشه و اکران در ایران را می‌بینند. آیا مخاطب یعنی مخاطب گیشه‌یی؟ مخاطب کیارستمی کم نیست؛ اگر

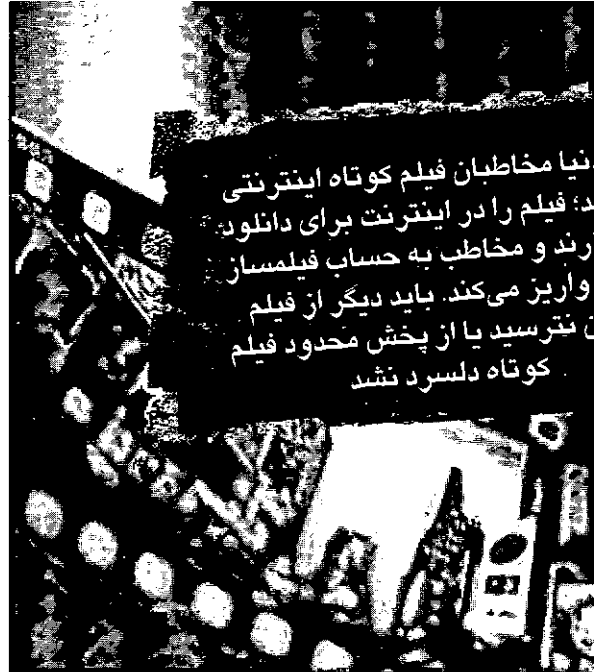
سینمای جوان و فرصت‌های فیلمسازی

مجید شجاعی

سال ۱۳۶۷ کلاس چهارم دبیرستان بودم که انجمن سینمای جوان لاهیجان افتتاح شد من آن زمان کار نمایش می‌کردم، اما اشتیاق کار تصویری همیشه در وجودم بود در آزمون ورودی انجمن شرکت کردم و چندی بعد به عنوان هنرجو در کلاس‌های انجمن حضور یافتم. یادم به‌خیر «محمود تابنده» - که هر جا هست سلامت باشد - شاعر و نویسنده‌ی اندیمشکی، استاد کلاس‌های ما بود بعد از پایان کلاس‌ها به هنرجوهایی که فیلمنامه‌های خوب ارائه می‌کردند امکانات فیلمسازی داده می‌شد بچه‌های انجمن که اغلب از دوستانم هم بودند سخت کار می‌کردند. ما دسته‌جمعی کمک می‌کردیم تا دوستان فیلم‌هایشان را بسازند؛ برای هم بازی می‌کردیم، در گروه صحنه بودیم، دوبله می‌کردیم و ... من در کارهای دوستان بیشتر به عنوان عکاس حضور داشتم و صداگذاری فیلم‌ها هم توسط دوست هنرمندمان «محمد رهروان لاهیجی» - فیلمساز و بازیگر - انجام می‌شد. اتاق من استودیوی صدای فیلم‌ها بود «محمدمدتی لون آمیز، اکبر منصوری، جواد تمیز کار، اسماعیل شعبان‌زاده، مجید نوروزی‌فر، زنده‌یاد علی رستگار تبریزی» و ... از دوستان آن سال‌های من بودند. من دو فیلمنامه به انجمن ارائه کردم؛ «وامانده از مهر» و «بال‌های شکسته». این دو فیلم کوتاه را به کمک دوستانم ساختم. چون بازیگری را هم دوست داشتم جدا از نویسندگی و کارگردانی، بازیگر کارهایم نیز بودم. وامانده از مهر در جشنواره‌ی سینمای جوان گیلان برنده‌ی دیپلم افتخار شد و به جشنواره‌ی وحدت تبریز هم راه یافت. تولیدات دفتر انجمن لاهیجان در آن سال‌ها خیلی بیشتر از مرکز استان (رشت) بود؛ به رغم این که امکانات لاهیجان با رشت برابری نمی‌کرد؛ هنگام ساخت فیلم کوتاه سوم خودم بودم که مجبور شدم به سربازی بروم و متأسفانه دیگر نتوانستم آن کار را تمام کنم. حالا که به آن روزها فکر می‌کنم، می‌بینم چه روزهای قشنگی بود؛ بهترین دوستان زندگی‌ام را در کارهای هنری پیدا کردم ...

یادآوری روزهای گذشته‌ی من بهانه‌ی بود تا بگویم که انجمن سینمای جوان اتفاق فرخنده‌ی برای سینمای کشور بود و یکی از دستاوردهای هنری انقلاب اسلامی. هنرمندان موفق کار فیلمسازی و عکاسی خود را از انجمن سینمای جوان آغاز کردند و هم‌اکنون در عرصه‌ی فیلمسازی و عکاسی کشور فعالیت می‌کنند. خودم در کنار آموزش‌های فیلمنامه‌نویسی و فیلمسازی، الفبای عکاسی را در همین انجمن آموختم. حتی این افتخار را داشتم که در هشتمین جشنواره‌ی سراسری سینمای جوان، تک‌عکسم برنده‌ی بهترین عکس جشنواره شود. سینمای جوان فرصت سبزی در اختیار فیلمسازان و مشتاقان هنر قرار می‌دهد تا دست به تجربیات هنری بزنند و بتوانند بر تجربیات خود بیفزایند. این روزها با ظهور سینمای دیجیتال، فیلمسازی خیلی ارزان‌تر از قدیم شده است. در زمان فیلمسازی ما، هم فیلم‌های سوپر هشتم گران بود و هم مراحل ظهور و تدوین موویلابی کار باعث می‌شد روند تولید به کندی پیش برود، اما امروز چنین نیست و فیلمسازان در تمامی بخش‌های فنی از امکانات خوبی برخوردارند.

سینمای جوان در شهرهای مختلف کشور دفاتر انجمن دارد و در بسیاری از شهرها هم ندارد. این روزها گاهی زمزمه‌هایی برای تعطیلی بعضی از انجمن‌ها شنیده می‌شود؛ با توجه به کارکرد انجمن بهتر است با تخصیص بودجه‌ی بیشتری ضمن نگهداری دفاتر موجود، به فکر تأسیس انجمن‌های جدید در شهرهای دیگر هم باشیم. کدام نهاد و ارگان سینمایی کشور را می‌شناسیم که سالانه این همه فیلم کوتاه و نیمه‌بلند تولید کند؟ امیدوارم معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با حمایت‌های بیش از پیش این نهاد هنری، شرایط مطلوب‌تری را برای فیلمسازان جوان فراهم آورد تا به نوعی سینمای آینده‌ی کشورمان را، با تربیت جوانان خوشفکر و جویای نام، بیمه کنیم. ■



نیا مخاطبان فیلم کوتاه اینترنتی؛ فیلم را در اینترنت برای دانلود رند و مخاطب به حساب فیلمساز و آریز می‌کند. باید دیگر از فیلم نترسید یا از بخش محدود فیلم کوتاه دلسرد نشد

کپی‌رایت داشتیم و شرکتی آمار فروش دی‌وی‌دی و سی‌دی‌های عباس کیارستمی را می‌داد، شاید از مخاطب فیلم چارچنگولی هم بیش‌تر باشد. شاهکار دیده می‌شود حتی اگر اکران نشود».

کارگردان فیلم کوتاه، شهرام مکرری ادامه داد: «محدود کردن درست است، باید خودتان را محدود کنید. اگر تدوینگر ندارید فیلم یک‌پلانی بسازید. راهی که کارگاه کیارستمی می‌رود درست است؛ محدود کردن فیلمساز به یک موضوع، مثلاً تاکسی یا باد و درخت و ...».

شهرام مکرری هم چنین درباره‌ی تاریخ فیلم کوتاه در ایران تأکید کرد: «در فیلم کوتاه جریان سینمای آزاد و سینمای کانون به وجود آمد. در سینمای آزاد، کارگردانانی مثل: کیانوش عیاری و مهدی صباغ‌زاده بودند و در سینمای کانون، کیارستمی. بعدها سینمای آزاد تبدیل شد به سینمای جوان. در دهه‌ی ۷۰ مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی با مدیریت محمد آفریده تحولی را در فیلم کوتاه به وجود آورد. سینمای کوتاه گرایش به بین‌المللی شدن داشت و فیلمسازان جشنواره‌ی را تربیت کرد. در دهه‌ی ۸۰ سازندگان فیلم کوتاه، دیگر جشنواره‌ی نبودند، بلکه بیش‌تر دانش‌آموختگان سینما بودند و تأثیرات سینمای روز دنیا را می‌توان در آثارشان دید؛ برای مثال عاطفه خادم‌الرضا و آیدا پناهنده».

با رسیدن به دقایق پایانی جلسه، مجید مصاحبی از اعضای کارگاه خواست تا سؤال‌های خود را مطرح کنند. یکی از اعضا سؤالش را این‌طور بیان کرد: «آقای مکرری، شما از سینمای کوتاه شروع کردید و به سینمای بلند آمدید؛ آیا دوباره فیلم کوتاه می‌سازید؟» مکرری پاسخ داد: «بله، می‌سازم. یک ایده‌ی کوتاه دارم که می‌خواهم آن را بسازم. درست است که فاصله‌ی بین فیلم‌های کوتاه‌م زیاد است اما دوست دارم ایده قوام پیدا کند و بعد ساخته شود. عجله‌ی برای ساخت فیلم ندارم، ضمن این که یک فیلم بلند هم می‌خواهم بسازم. سینمای کوتاه را جدی می‌گیرم چون فکر می‌کنم جریان روشنفکرانه‌تری نسبت به سینمای بلند است».

در پایان، دوست دیگری با اشاره به این نکته که برای دیدن فیلم بلند شهرام مکرری - اشکان، انگشتر متبرک و چند داستان دیگر - ساعت‌ها در صف ایستاده و بلیت هم گیر نیاورده از اکران این فیلم پرسید که مکرری گفت: «شاید پاییز امسال اکران شود» ■